هدایتی، مهرنوش (۱۳۹۷). بازتعریف دوستی، در حلقه‌های کندوکاو فلسفی.
پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت،۸ (۱)، ۴۲-۲۱. DOI: 10.22067/fedu.v8i1.68972

بازتعریف دوستی، در حلقه‌های کندوکاو فلسفی

مهرنوش هدایتی[1]

تاریخ دریافت: ۹۶/۹/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۷/۵/۱

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر پدیدهٔ دوستی به عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های زندگی اجتماعی انسان به‌ویژه در دوران مدرسه، بر پیشرفت معرفتی کودکان و نوجوانان در حلقه‌های کندوکاو فلسفی است. برای دستیابی به این هدف از روش تحلیل و تفسیر متون و استنتاج منطقی بهره گرفته شد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که گفتگوی جمعی نقاد و خلاق در «حلقه‌های کندوکاو فلسفی» همواره با دو دغدغه همراه است: نخست، در صورت مشارکت در گفتگوی انتقادی احتمال تخریب و تکدر دوستی میان هم-کلاسان وجود دارد. دومین نگرانی، رکود پیشرفت معرفت‌شناختی در حلقه‌های کندوکاو به دلیل عدم مشارکت دوستان صمیمی در فرایند نقد و تولید ایده‌های بدیع در حین گفتگو و پیروی از آرای افراد قوی‌تر در کلاس می‌باشد. لذا به‌نظر می‌رسد، همان‌گونه که این جنبش‌های تأملی نیازمند تغییر و تحولاتی در سخت-افزارهای نظام تعلیم و تربیت سنتی هستند، می‌بایست در حوزه نرم‌افزاری تعلیم و تربیت ازجمله مفهوم دوستی، تعریف جدیدی ارائه دهند. پرورش تفکر مراقبتی درکنار دو مهارت فکری نقاد و خلاق می‌تواند مفهوم دوستی را در ذهن کودکان به مثابه یک امر مراقبتی با تمام ویژگی‌های آن ارتقاء دهد. برپایه نتایج به‌دست‌آمده می‌توان بازتعریف مفهوم دوستی از رابطه‌ای سطحی و مبتنی بر تائید را به رابطه‌ای مراقبتی، اندیشمندانه و رشد دهنده پیشنهاد داد.

واژه‌های کلیدی: دوستی، حلقه کندوکاو فلسفی، تفکر مراقبتی، دوستی مراقبتی.

---

۱ . استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، mehrnooshhedayati77@ygmail.com

مقدمه

توجه به رشد روانی اجتماعی کودکان یکی از عوامل توفیق برنامه‌ریزی آموزشی است. دوستی، به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های کلی سلامت فردی و اجتماعی، در طول دوران تحصیل از بنیادی‌ترین عناصر شکل‌گیری هویت کودکان و نوجوانان می‌باشد که اثراتی پایدار و ماندگار در شکل‌گیری شخصیت دارد (Leszczensky, Pink and Kalter , 2015, P. 21). رویکرد تربیت تأملی «فلسفه برای کودکان» (فبک) با بهره‌جویی از رویه‌های فلسفی مانند پرسشگری، گفت‌وگو، استدلال، طرح آرای بدیع، و نقد و تحلیل این آراء قصد دارد مهارت‌های سطح بالای شناختی- عاطفی را در کودکان پرورش دهد. این برنامه با تقویت قوای استدلال و منطق، و تشویق خلاقیت در افکار و عمل، در کنار توجه به ابعاد ارزشی و عاطفی عقلانیت، تلاش دارد جسارت در بیان ایده‌های شخصی و تحمل برای شنیدن ایده‌های متفاوت را بالا برده، و تفکر مستقل کودکان را در عین تفکر جمعی بهبود بخشد. لذا، در این برنامه بر تغییر فضای سنتی کلاس به حلقه‌های کندوکاو فلسفی[۱] تأکید می‌شود. ماهیت معرفتی این حلقه، اجتماعی و پژوهشی است، بدین معنا که معرفت امری بین‌الاذهانی و حاصل کندوکاو و کاوشگری می‌باشد (Maraashi and Ghaedi, 2015, P.20). بنابراین، پیشرفت معرفتی اعضای حلقه در گرو آزمون ایده‌ها، طرح نظرات بدیع، توجه دقیق به ایده‌های دوستان و نقد مستدل آن‌ها، کشف زوایای مغفول پدیده‌ها، و انعطاف برای خود اصلاحی، و تعهد نسبت به رشد جمعی است. درک تحولات معرفتی حاصل از مشارکت در حلقه کندوکاو فلسفی تنها با مشاهدهٔ پیشرفت گفت‌وگو در کلاس قابل‌ردیابی است (Lipman and Sharp, 2015, P. 25). اما پیشرفت معرفتی چندان هم ساده نیست و با موانعی روبروست: یکی از مهم‌ترین این موانع، نگرانی دوستان از نقد و مخالفت با ایده‌های یکدیگر است. با توجه به ویژگی‌های خاص دوران مدرسه، به عنوان اولین و شاید مهم‌ترین تجربه زندگی اجتماعی مستقل، و نقش اساسی آن در تحول شناخت اجتماعی کودکان، که همواره با چالش‌هایی در خصوص تجربه حس نیاز به دوست‌یابی، دوست شدن و دوست ماندن همراه است، شُبهاتی در خصوص تقویت یا تخریب دوستی‌ها در حلقه‌های کندوکاو فلسفی مطرح می‌شود. برخلاف بسیاری از فعالان فبک که دوستی را شرط پیشرفت معرفتی در حلقه کندوکاو می‌دانند (Badhar,1993;Roumer,1994)، برخی دیگر تأثیر دوستی در معنای رایج آن را در

---

۱. Community of Philosophical Inquiry این اصطلاح در ادبیات پژوهشی به زبان پارسی به عنوان اجتماع پژوهشی نیز ترجمه شده است، اما حلقه کندوکاو فلسفی عنوانی است که گروه فلسفه برای کودمان پژوهشگاه علوم انسانی پس ازمطالعات و گفتگوهای علمی فراوان به عنوان جایگزین این اصطلاح انتخاب نموده است.

پیشـرفت معرفتی دانش‌آموزان بسـیار اندک، و حتی در مواردی مانع می‌پندارند (Davey, 2004b, P. 39). چراکه احتمال دارد مباحثه‌های نقاد یا طرح ایده‌های بدیع و خلاق، نوعی تعارض و مخالفت با دوسـتان تلقی شود و پیامدهای ناخوشایندی برای دانش‌آموزان دربی داشته، که سبب کناره‌گیری از مشارکت آنان در مباحثه‌های فلسـفی به معنای واقعی شـود. لذا هدف اصـلی این مطالعه بررسـی پیامد گفتگوی نقادانه کودکان در حلقه‌های کندوکاو فلسفی بر روابط دوستانه و صمیمی آن‌ها می‌باشد تا مشخص شود چنانچه کودکان مایل به حفظ روابط دوسـتانه خود باشـند، یا نگران دلخوری، عدم‌حمایت و یا حتی رفتارهای پرخاشگرانه هم‌کلاسی‌های خود شوند، آیا بحث‌های نقاد آن‌چنان‌که مدنظر برنامه است، عمق و محتوا پیدا می‌کند؟ سـپس با تعریف عمیق‌تر از مفهوم دوسـتی، راهی برای برون‌رفت از بن‌بسـت‌های عاطفی، که مانع تفکر منطقی و نقاد میان دوستان می‌شود، ارائه گردد.

ضرورت توجه به مفهوم دوستی

دوستی پدیده‌ای پیچیده و چندعاملی است که فرد در طول زندگی آن را با افراد مختلف تجربه می‌کند (DeSousa and Cerqueira-Santos, 2012, P. 325). محققان بسیاری مهم‌ترین تحول زندگی کودک، به‌ویژه از دوران دبستان را تمرکز بر مفهوم دوستی می‌دانند؛ چراکه در این مرحله کودکان به‌واقع احساس می‌کند به دیگران نیاز دارند و انتظار دارند که دوستشان نیازهای آنان را درک کرده و به آن پاسخ دهد، در برخی موارد نیز برای آنکه دوستی را کنار خود نگه‌دارند، حاضرند از تمام علایق خود بگذرند و به نیازهای دوست خود پاسخ گویند (Hartley–Brewer, 2009; Selman, 2007). در نوجوانی پدیدهٔ دوستی از این هم مهم‌تر می‌شود و دوست خوب، فردی حامی، قابل‌اعتماد و منبع اصلی صمیمیت تلقی می‌شود. البته تحول ملاک‌های انتخاب، تداوم و کیفیت دوستی در راستای تحول شناختی فرد به وقوع می‌پیوندد؛ هرچه ادراک شناختی فرد در سطوح بالاتر باشد، ملاک‌های ارزشمندتری برای دوستی تعیین می‌کند (Hejazi and Zohrevand, 2001, P. 18). به‌طورکلی، در دوران کودکی و نوجوانی دوستی سبب تقویت و بهبود مشارکت اجتماعی، همکاری و مدیریت تعارض‌ها می‌شود و می‌تواند سبب ایجاد روابط صمیمی، احساس تعهد، توفیق در چالش هویت‌یابی و شناخت خود و دیگری و کسب اعتماد به نفس شود (DeSousa and Cerqueira-Santos, 2012, P. 326). در دوران تحصیل، دانش‌آموزان به‌نوعی خود را با گروه دوستان در برابر تحقیر دوست‌داشتنی نبودن، و حتی محافظت از انواع قلدری فیزیکی یا عاطفی در فضای آموزشی مسلح می‌کنند و حتی در کلاس‌هایی که جو دوستانه بین شاگردان برقرار است، ظرفیت یادگیری بالاتری نیز به چشم می‌خورد (Johnston, 2006). به همین خاطر، دوستی را می‌توان یک منبع رشد

شناختی و عاطفی قلمداد نمود که در کنار سایر منابع، به کودکان و نوجوانان در حین فرایند عبور از تجربیات ناخوشایند کمک می‌کند (Adams, Santo and Bukowski, 2011).

با توجه به اهمیتی که پدیدهٔ دوستی در رشد فردی- اجتماعی و سلامت عاطفی- شناختی کودکان و نوجوانان دارد، هر رویکرد تربیتی که برنامه‌ای برای بهبود وضعیت تعلیم و تربیت ارائه می‌دهد، نمی‌تواند از نقش کلیدی آن غافل باشد. در رویکرد تربیتی «فبک»، بر اساس نظریه ویگوتسکی، ارتباط میان دانش‌آموزان، عنصری کلیدی در رشد فکری محسوب می‌شود. این موضوع را می‌توان در رویه آموزشی این برنامه که با عنوان «حلقه کندوکاو فلسفی» معروف است، به‌خوبی مشاهده نمود. لذا، در ادامه نخست ویژگی‌های این رویه تربیتی به‌اختصار تبیین می‌شود، تا بتوان نقش و جایگاه دوستی را در آن بررسی نمود.

حلقه کندوکاو فلسفی، اجتماعی هدایت‌شده، دارای ساختار باز، و مبتنی بر گفتگو است که به‌زعم لیپمن بهترین رویه برای پرورش مهارت‌های فکری سطح بالا در کودکان و نوجوانان می‌باشد (Kennedy, 2012, P. 36). حلقه کندوکاو فلسفی برگرفته از ایده فیلسوفانی مانند پیرس، دیویی و ویگوتسکی(Gutiérrez-Santiuste, Rodríguez-Sabiote and Gallego-Arrufat 2015, P. 349)، فضایی هدفمند است که در آن، فرایندی هدایت‌گرانه برای رشد فکری مبتنی بر پیشرفت استدلال‌ها جریان دارد. این فرایند، صرفاً یک بحث و گفتگوی ساده و رایج نیست بلکه یک فرایند دقیق گفت‌وشنود[1] به شیوهٔ فلسفی است، که هدفی رشدی را دنبال می‌کند(Lipman, 2003, PP. 84-90). حلقه کندوکاو فلسفی، همکاری و همیاری برای یادگیری مشارکتی را در میان کودکان تشویق کرده، و احساس مسئولیت نسبت به خود، دیگری، و به‌طورکلی جامعه را ارتقاء می‌بخشد. شرط لازم برای ظهور ایده‌های فلسفی و طرح ابهام‌های ژرف‌اندیشانه در این حلقه، باز بودن نسبت به تفاوت‌ها می‌باشد(kizel, 2017, P. 89). نتیجه مشارکت مستمر در چنین اجتماعی، پرورش تفکر نقاد، خلاق، مراقبتی، و مشارکتی از طریق تقویت منطق در کنار عواطف و ارزش‌ها، بهبود قدرت داوری معتبر و منصفانه، و برقراری روابط میان‌فردی بالنده است (Sharp, 2007, P. 255). حلقه کندوکاو در عین پرورش متفکران مستقل، نیازمند و مروج تفکر مشارکتی بوده، و افراد از طریق تمرین‌های متمادی درمی‌یابند که رشد فکری واقعی بدون حمایت سایر افکار صورت نخواهد گرفت، لذا رشد فردی در گرو رشد جمعی است (Gutiérrez-Santiuste et al., 2015, P. 351). در این بافت تربیتی، افراد گفتگوی معتبر، احترام به یکدیگر به عنوان یک شخص، رشد اعتماد متقابل و ظرفیت ارتباط در سطوح متنوع را تجربه می‌کنند (Sharp, 2014, P. 19). شرتز بر این باور است که حلقه کندوکاو فلسفی

1. Dialogical

یک ابزار بسیار حیاتی و پارادایمی برای تعلیم و تربیت همدلانه میان دوستان است؛ چراکه تربیت همدلانه نیازمند تعاملات پژوهش‌محوری است که با میانجی‌گری دانش‌آموزان هدایت می‌شود (Schertz, 2006, P. 8). براین‌اساس حلقه کندوکاو فلسفی بااحساس اشتیاق برای کندوکاو و میل وافر به کنکاش حقیقت به‌صورت مشارکتی آغاز می‌شود، و با اتخاذ دیدگاهی نقاد برای آزمون موضوع‌ها از زوایای متفاوت تداوم می‌یابد. لازمهٔ پیشرفت معرفتی در این حلقه، بیان حقیقت از منظرهای مختلف، حتی به شکل اختلاف‌نظرهای مستدل می‌باشد. باوجودآنکه فضای حاکم بر حلقه کندوکاو، دوستی و همکاری میان دانش‌آموزان به‌جای رقابت است، اما گاه در خلال کار افراد آن‌چنان به‌شدت یکدیگر را به چالش می‌کشند که ممکن است منجر به برداشت‌های هیجانی شود (Radji, 2016, PP. 144-146). درنتیجه کودکان و نوجوانان توجه به ابهام‌های ذهنی و طرح پرسش یا ابراز نظر شخصی را با لذت جذب تائید معلم و دوستان معاوضه می‌کنند، و با اتخاذ رویه‌هایی مانند سکوت، توافق، کسب نمره خوب، رقابت، حافظه‌محوری و مواردی از این قبیل، قدرت تفکر نقاد و خلاق، و حتی حیرت فیلسوفانه خود را سرکوب می‌سازند (Hedayati, 2017a, P. 341).

بر اساس شواهد پژوهشی موجود، کودکان و نوجوانان جذب افرادی با ویژگی مشترک و مشابه می‌شوند، که بین آن‌ها روابط هماهنگ برقرار است، نه اختلاف‌نظر (Campell et al., 2015, P. 245)، لذا ممکن است گفت‌وشنود فلسفی و پیشرفت معرفتی در حلقه‌های کندوکاو کلاسی، درصورتی‌که درست اجرا نشود، با مشکلاتی ازجمله آسیب به روابط دوستانه یا کناره‌گیری از مشارکت در مباحثه‌ها مواجه گردد؛ چرا که بعید است تمام افراد گروه با یکدیگر، روی تمام موضوع‌ها، از جنبه‌های مختلف تفاهم و توافق داشته باشند.

موانع مشارکت دوستان در مباحثه‌های نقاد و خلاق

برای فلسفه ورزی شاید نیازی به تشکیل یک حلقه کندوکاو با تمام ویژگی‌های آن نباشد، اما بدون شک برای حصول توفیق و پیشرفت معرفتی در این حلقه‌های کفتگومحور، تمرکز بر ماهیت جمعی اندیشه-ورزی اهمیت وافر دارد، و بیشترین اهمیت آن در ساخت دانش به شکل مشارکتی و همیارانه از ابتدا است (Turgeon, 2012). به‌عبارت‌دیگر، شاید بتوان مهارت‌های فکری را به‌شیوهٔ فردی آموزش داد، اما عامل تمایز و برتری حلقه کندوکاو از سایر رویه‌های آموزشی، باور به کاوشگری مشترک است، رویه‌ای که عزت‌نفس اعضای خود را ارتقا داده، و منجر به احساس هویت جمعی، هم‌افزایی هوشی، افزایش توان فهم مشترک، احترام متقابل، و افزایش گستره دامنه فکری می‌شود. درنتیجه مشارکت همکلاسی‌ها یا به‌بیان‌دیگر دوستان در این حلقه، شرط ضروری تشکیل و تداوم آن است (Hedayati, 2017a, P. 349). اما چنانکه

پیش‌تر اشاره شد، ممکن است پیشرفت مباحثه‌ها به‌ویژه از حیث معرفت‌شناختی در این حلقه‌ها به خاطر تعریفی که از دوستی بین هم‌کلاسان رایج است، با مانع روبرو شود که در ادامه به برخی از این موانع اشاره می‌شود:

۱) **دوستی به‌مثابه تائید و حمایت مطلق از یکدیگر:** متأسفانه دوستی‌های سطحی و رایجی که صرفاً مبتنی بر تائید و حمایت یکدیگر می‌باشد، عامل مخربی برای کندوکاو فلسفی است. چون کودکان در دوران دبستان کسانی را دوست تلقی می‌کنند که به آن‌ها کمک کرده و با آن‌ها علایق مشترک دارند، در مدرسه یا محله از آن‌ها حمایت، تائید و تمجید می‌کنند (Damon, 1983). در دوره نوجوانی نیز یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نوجوان، موردپسند واقع‌شدن است، که بیش‌ازپیش تحسین و تائید دوستان را مهم می‌سازد. این خشنودسازی دوستان و اتخاذ مواضع فکری مشترک، از موانع اصلی ابراز ایده‌های مخالف و متفاوت است.

۲) **دوستی به‌مثابه احساس تعلق به گروه:** میل وافر کودکان و به‌ویژه نوجوانان به تعلق و پیوند با گروه هم‌سالان و همچنین رواج پدیدهٔ قلدری در مدارس، اصولاً ظرفیت پذیرش نقد در میان دوستان را به حداقل می‌رساند، و فرایند پیشرفت معرفتی حلقه کندوکاو را به دو طریق مختل می‌سازد: نخست، از طریق اعمال قدرت و قلدریِ فرد قوی‌تر، و دوم از طریق نادیده‌انگاری یا تحقیر افراد ضعیف‌تر. اگر افراد با میل شدید تعلق به گروه دوستان وارد حلقه‌های گفتگو شوند، و برحسب باور رایج، مخالفت با ایده‌ها را همسانِ مخالفت با فردیت و هویت شخصی تلقی کنند، ممکن است شیرازهٔ روابط میان فردی از هم بپاشد، و یا منجر به رواج خشونت‌های عاطفی، کلامی، یا حتی جسمانی در حین و پس از گفتگوهای نقاد و خلاق شود. در حلقه‌های کندوکاوی که صرفاً بر پرسشگری، و نقادی استوار هستند، روابط مبتنی بر قدرت می‌تواند مسیر کاوشگری جمعی را مسدود کند، چراکه افراد قوی‌تر سعی می‌کنند بحث‌ها را در اختیار گرفته و بر ایده خود اصرار کنند و بر جریان فکری جمع تأثیر بگذارند (Yorshansky,2007, P.19; Fearnley-Sandler, 1998, P. 28). در این‌-صورت، ممکن است سایر افراد موضع سکوت اختیار کنند، یا از روی اجبار یا احساس ضعف به موافقت با دوستان قدرتمند خود تن دهند.

۳) **دریافت برچسب‌های نامطلوب هویتی توسط هم‌کلاسان:** علاوه‌بر قدرت‌نمایی برخی هم‌کلاسان، عوامل دیگری نیز در عدم مشارکت دانش‌آموزان در فرایند کندوکاو فلسفی دخیل هستند، عواملی مثل عدم توانایی در ارائه پاسخ صحیح به سؤال‌های دوستان، احساس عدم رضایت معلم از طرح

سؤال‌ها، عدم درک درست و کامل موضوع موردبحث و شرم از بیان این حقیقت، ترس از احمقانه تلقی شدن سؤال‌ها یا نظرات بدیع و متفاوت توسط دوستان، و احساس عدم تمایل هم‌کلاسان به شنیدن ایده‌های آن‌ها(Johnston, 2006, P. 4). این احساس شرم و ترس، یا برچسب‌های پرچانگی و کودنی، در کلاس‌های سنتی نیز وجود دارد، اما میزان شیوع و شدت آسیب‌های ناشی از این برچسب‌های هویتی در حلقه‌های کندوکاو فلسفی بیشتر است؛ چرا که مطابق شیوهٔ مامایی اندیشهٔ سقراطی، پرسشگری و بحث نقادانه و ابراز ایده‌های مستقل، عناصر کلیدی ژرف‌اندیشی و حرکت در مسیر حقیقت‌یابی هستند، لذا تا زمانی که افراد از هیجان‌های منفی مانند شک از پذیرش، شرم یا ترس در رنج هستند، امکان مشارکت واقعی در گفتگوها به حداقل ممکن خواهد رسید. در حقیقت مهم‌ترین عامل رکود گفتگو میان هم‌کلاسان و توسل به محافظه‌کاری، نقصان دانش یا مهارت کلامی نیست، بلکه کمبود اعتماد میان‌فردی بین دوستان و هم‌کلاسان است.

۴) **عدم توجه یا پذیرش مسئولیت دوستانهٔ متقابل برای رشد هم‌کلاسان:** مشکل دیگری که سبب مشارکت کم‌رنگ دوستان در مباحثه‌های انتقادی می‌شود، بی‌تفاوتی نسبت به روشنگری متقابل است. گاهی دیده می‌شود که دوستان متوجه دیدگاه اشتباه یا ناقص دوست خود هستند، اما خود را مسئول اصلاح این دیدگاه یا ارائه آگاهی‌های لازم نمی‌بینند، لذا از ارائه هر ایدهٔ بدیع یا متفاوتی خودداری می‌کنند، چون آن‌ها همواره در پی راضی نگه‌داشتن دوستان خود هستند، نه در پی رشد فکری آن‌ها (Pappano,2004). این در حالی است که کندوکاو یک فعالیت اجتماعی و نیازمند احساس مسئولیت است، و از دانش‌آموزان می‌خواهد در کشف دیدگاه‌های یکدیگر شریک شوند (Naji,2016, P.157).

۵) **ابهام در ادراک فضیلت اخلاقی در دوستی:** احساس مسئولیت و حساسیت نسبت به فرایند خوداصلاحی همراه با مشارکت در رشد و بهبود دیدگاه‌های دوستان، نه‌تنها از منظر معرفت‌شناسی ضرورت دارد، بلکه نوعی رشد اخلاقی محسوب می‌شود که از رسالت‌ها و هدف‌های بنیادین نظام تعلیم و تربیت است (Johnston, 2006). ازآنجاکه دوستی کامل به فضایل گره می‌خورد، پس پیش‌شرط آن کسب صلاحیت اخلاقی است، و استحصال این صلاحیت نیازمند تمرین و کمک متقابل دوستان، در فضایی امن و محترمانه، اما نقادانه است. بااین‌حال، پایبندی به فضایل اخلاقی نیز در دوستی با چالشی اساسی مواجه است: تعارض میان عشق به خود (عشق به ارزش‌ها و باورهای خود) یا عشق به دوست (بدون هیچ قید و شرطی). مسئله اساسی در حلقه‌های کندوکاو فلسفی این

است که اگر افراد صرفاً با سرسپردگی به منظومه ارزش‌ها و باورهای شخصی وارد فضای نقد و گفتگو شوند، مفاهیمی مانند ارتباط اخلاقی و دگرآگاهی در این حلقه‌ها جایگاهی نخواهند داشت و اگر ارتباطات صرفاً بر اساس رعایت اخلاقیات و دگراندیشی باشد، چگونه می‌توان انتظار تجزیه‌وتحلیل و ارزیابی نظام ارزش‌ها و باورهای نسبتاً پایدار خود را داشت (Marshal et al, 2009).

موانع فوق نه‌تنها در حلقه‌های کندوکاو بلکه در تمام گفتمان‌های انتقادی وجود دارد، و استقبال از این مباحثه‌ها و حتی پیشرفت سالم آن را با چالش جدی روبرو می‌سازد، به‌طوری‌که اغلب گفتگوها با منظرهای متفاوت، اغلب نه‌تنها دوستانه نبوده بلکه به جدل نیز منتهی می‌شود. به همین دلیل مبدعان و پیشگامان رویکرد تربیتی فبک، در کنار مهارت‌های تفکر نقاد و خلاق، پرورش مهارت فکری دیگری را که از ارزش‌ها و عواطف ریشه می‌گیرد، بسیار مهم و ضروری می‌دانند، مهارتی با عنوان «تفکر مراقبتی[1]» که جهت کاهش تعارض‌های حاصل از تفکر صرفاً منطقی، امری ضروری است. طبق نظر متخصصان، این مهارت فکری برای ترویج و تقویت مهارت‌های فکری نقاد و خلاق، کاوشگری جمعی، پیشرفت معرفتی مباحث، و تحکیم روابط دوستانه، نقش حیاتی دارد (Sharp, 2014).

تفکر مراقبتی

تفکر مراقبتی، نوعی مهارت فکری اخلاقی، عاطفی، هنجاری و مبتنی بر ارج نهادن و مشارکت فعال در جامعه، همراه با درجاتی از دغدغه برای بسط و گسترش خیر همگانی است (Sharp, 2007, P. 249). طبق تعریف لیپمن، تفکر مراقبتی از پنج ویژگی، شامل تفکر مبتنی بر ارج نهادن (تفکر ارزشی)، هنجاری، عاطفی، فعال، و همدلانه، برخوردار است (Lipman, 2003, P. 271). تفکر مراقبتی کودکان را ترغیب می‌کند تا یک نظام ارزشی تأملی برپا کنند و از این طریق امور را مشفقانه و دغدغه‌مند قضاوت و داوری کنند (Marshal et al, 2009). این تفکر، مهارت پیوند زدن میان اندیشه و عاطفه (Fisher, 2013)، و نوعی ایمان و تعهد به قدرت تفکر برای کمک به حصول هدف‌های اخلاقی، بهبود امور، و خوداصلاحی (Sprod, 2001, P. 25) است. این اندیشه گرچه به‌طور رسمی در دهه‌های اخیر موردتوجه قرارگرفته است، اما قدمت توجه به آن برای آحاد بشر، بسیار طولانی است و با تأمل در ادبیات غنی ایران‌زمین به‌خوبی می‌توان دریافت هرآن کس که اندیشه مراقبتی ندارد، از آدمیت، به معنای خاص آن به دوراست[2].

1. Caring Thinking

۲. تو کز محنت دیگران بی غمی   نشاید که نامت نهند آدمی

مفهوم مراقبت نه به عنوان مفهومی فردی، بلکه از منظری اجتماعی- آن‌چنان‌که در حلقه‌های کندوکاو فلسفی موردنظر است- معطوف به احساس مسئولیت نسبت به کیفیت و دوام ارتباط و رشد مشترک است، به‌طوری که هم‌شکل فعالیت، هم موضوع و هم افراد دخیل در آن، برای فرد ارزش‌دارند. در اجتماعاتی که بر پایه اندیشه مراقبتی و حمایت متقابل استوارند، عناصری مانند اعتماد، همکاری، و هدف‌های مشترک همراه با پذیرش و احترام نسبت به تنوع و تفاوت‌های موجود در اولویت ارزشی هستند (Treffinger, 2014). این اجتماعات دارای ویژگی‌هایی مانند ارتباطات میان‌فردی قوی، درنظرگرفتن آرای تک تک افراد، ارزش‌های مشترک، وابستگی جمعی، و دخیل بودن اعضا در تصمیم‌گیری‌ها می‌باشند (Brahm and Bowling, 2009).

حلقه کندوکاو فلسفی، اجتماعی است که نه‌تنها سبب پرورش و تقویت مهارت تفکر مراقبتی می-شود، بلکه به دلیل ترویج تفکر نقاد و منطقی، بقای آن نیز وابسته به حضور چنین تفکری است (Davey, 2004b, P.52) و اگرچه تمامی مهارت‌های فکری ارزشی برابر دارند، اما تفکر مراقبتی برای پایداری گفت-وشنود دموکراتیک در حلقه‌های کندوکاو، امری حیاتی است (Sharp, 2004a, P. 248). گفت‌وشنود واقعی در این حلقه نیازمند نوعی تفکر متعهدانه[1] و مسئولانه نسبت به فرایند کندوکاو و ارزیابی امور است (Sprod, 2001). بنابراین، در صورتی که افراد برای بیان ایده‌های متفاوت و یا حتی مخالف، یا طرح ایده‌های جدید احساس امنیت نکنند، یا نسبت به رشد فکری خود و دوستانشان چندان متعهد و مسئول نباشند، انگیزهٔ کافی برای پیشرفت شناختی و ژرف‌اندیشی نیز وجود نخواهد داشت. اینجاست که دوستی‌های سطحی و یا میل به حفظ رابطه به هر قیمتی، ممکن است با فرایند کشف حقیقت، اصلاح باورها و قضاوت‌های نادرست، تفکر مستقل و ابراز آن، توجه به نقطه‌نظرات سایرین و همچنین علاقه به رشد مشترک، در تعارض قرار گیرد. درنتیجه ممکن است شاهد آن باشیم که دوستان از ابراز نظرات متفاوت حذر کنند، و به‌طور مداوم سعی در تائید یکدیگر، به‌ویژه ستاره گروه داشته باشند؛ چرا که تصور می‌کنند اظهار نظرات نقاد یا متفاوت می‌تواند موجب اختلاف و تکدر خاطر دوستان و درنتیجه طرد آن‌ها شود.

باوجود باور به اهمیت تفکر مراقبتی و حتی تفکر عاطفی در میان افراد، متأسفانه برخی پیشگامان این برنامه، تفکر مراقبتی را صرفاً مراقبت از فرایند و ابزار تحقیق تلقی می‌کنند (;Davey, 2012, P.143)، و حتی آن را مزاحم گفتگوی نقاد، و نوعی نازپروردن[2] می‌دانند(Bernifie, 2008, P. 2) ، اما از نظر شارپ حوزه-های تفکر مراقبتی در حلقه کندوکاو فلسفی، ضمن آنکه دربرگیرندهٔ توجه و اهمیت به ابزارهای کندوکاو، مسائل شایسته کندوکاو، و فرایند کندوکاواست، به همان میزان نیز متوجه و مراقب عواطف و ارزش‌های

1. Committed Thinking
2. Pampering

اعضا می‌باشد (Sharp, 2014, P. 20). در قیاس این دو نگرش متضاد، از یک منظر، مراقبتی‌اندیشیدن و توجه به ارزش‌هایی مانند دوستی برای حیات فرایند کندوکاو فلسفی مخرب تلقی می‌شود، به این دلیل که ممکن است مانع از نقدهای کوبنده شود؛ و از منظر دیگر، حلقه کندوکاو مبتنی بر تفکر مراقبتی، رویه‌ای در جهت تعمیق و تحکیم دوستی حقیقی و فضیلت‌مندانه انگاشته می‌شود. ازاین‌رو، به نظرمی‌رسد بازتعریفی از مفهوم دوستی که مانعی برای رشد فکری متقابل دوستان نباشد، ضرورتی اجتناب ناپذیر باشد.

بازتعریف دوستی در حلقه‌های کندوکاو فلسفی

باوجودآنکه دوستی در تمامی فرهنگ‌ها در کانون زندگی افراد قرار دارد و در شکل‌گیری شخصیت نقش اساسی ایفا می‌کند (Helm, 2005, P.2)، اما همواره در طول تاریخ، عدم توافق قطعی روی معیارهایی که یک رابطه را دوستانه، و یک فرد را دوست واقعی می‌سازد وجود دارد (Allan, 1996). دلیل این وسعت معنایی را می‌توان کاربردهای مختلف دوستی در زندگی دانست که بر اساس میزان تعهد نسبت به رشد طرفین در این رابطه تبیین می‌شود. پیش از بازتعریف دوستی مراقبتی در حلقه کندوکاو لازم است دو پیش‌فرض را مدنظر قرار دهیم: نخست، مفهوم «دوستی حقیقی» به‌زعم کودکان و نوجوانان، نوعی رابطه فضیلت‌مندانه و مسئولانه است. دوم، نقد و مراقبت دو مفهوم متعامل و وابسته هستند که هیچ‌یک فارغ از دیگری ظهور و دوام نمی‌یابد.

مفهوم دوستی حقیقی به‌زعم کودکان و نوجوانان:

علاوه براینکه کودکان و نوجوانان دوستان خود را افرادی معرفی می‌کنند که به یکدیگر کمک نموده و آنچه را که دارند باهم به اشتراک می‌گذارند، و پیشرفت‌های یکدیگر را تحسین نموده و در شکست‌ها در کنار هم می‌مانند، و به یکدیگر اعتمادبه‌نفس و امنیت برای ابراز خود می‌دهند، قابل‌اعتماد، رازدار، حمایتگر، کنجکاو و اهل کاوشگری مشترک هستند(Brendt, 1999)؛ اما از نظر آن‌ها «دوستی خوب»، دوستی توأم باکیفیت بالا است که در آن دوستان با کمک به ارتقای فکری و حمایت عاطفی برای کنار آمدن با چالش‌های زندگی سبب رشد یکدیگر در جهت دستیابی به ویژگی‌های خوب می‌شوند (Obiunu, 2015, P. 128). این کیفیت، الزاماً به معنای تائید قطعی و همواره یکدیگر نیست، بلکه اغلب کودکان قبول دارند که حتی بهترین دوستان هم گاهی باهم به تعارض برمی‌خورند و بهترین دوستی‌ها آن است که بعدازاین تعارض، با رشدی در جهت صمیمیت و آگاهی بیشتر بین آن‌ها همراه باشد(Brendt, 2002, P.7). به نظر می‌رسد کودکان و نوجوانان به‌طور طبیعی ملاک‌های «دوست خوب» را چیزی فراتر از دوستی‌های سطحی و متمرکز بر رشد فکری و سوق به سمت فضیلت قرار می‌دهند.

تعامل مفهومی نقد و مراقبت

اگر مراقبت تنها به معنای *پروای چیزی را داشتن*[1] (یا به چیزی اهمیت دادن) تلقی شود، ممکن است تصور شود تفکر مراقبتی افراد را ترغیب می‌کند تا در حلقه‌های کندوکاو کلاسی، صرفاً بر پایهٔ ارتباط دوستانه و عاطفی که دارند (کسب رضایت یکدیگر)، نه بر اساس تفکر و تأمل روی باورها و ارزش‌های خود و سایرین، باهم تعامل و دیالوگی مشفقانه و حمایت‌گرانه داشته باشند. برای فرار از این دام، برخی تسهیلگران تفکر منطقی، با حذف تفکر مراقبتی، کودکان یا نوجوانان را در گفتگوی نقادی مشارکت می‌دهند که فاقد هرگونه مهربانی و ادراک عاطفی است؛ و متأسفانه این شیوه نیز به دامی برای کسب هویت مستقل و ابراز قدرت اعضا، بدون درنظرگرفتن ارزش‌های نهفته در ایده دیگری، و تخریب احساسات او بدل می‌شود، و حلقه کندوکاو را به مصافی جهت خرده‌گیری و عناد، به‌جای تفکر نقاد تبدیل می‌کند. درست شبیه برخی نظریه‌پردازان که تفکر مراقبتی را کم‌وبیش متضاد با تفکرانتقادی و مانع نقد جدی امور می‌دانند(Cowen, 2014) و نقدی را کارساز تلقی می‌کنند که درهم‌شکننده باشد و اتفاقاً در برخوردهای انتقادی، نقد را بدون در نظر داشتن مؤلفه‌های مراقبتی صحیح می‌دانند(Bernifie, 2008, P. 11).

اما حقیقت این است که تفکر انتقادی راهی برای رشد است نه تخریب، و شکلی از تفکر روش‌مند است که به بررسی دقیق یک حقیقت یا یک اصل می‌پردازد تا قضاوت و داوری *مبتنی بر قدر و ارزش* آن چیز را شکل دهد(Daniel and Auric, 2011) نه اینکه صرفاً در پی کشف و برجسته‌سازی اشکالات یک‌چیز باشد. نقد صحیح اصولاً نقدی است که به شیوهٔ «نقد مراقبتی» مطرح شود. نقدی که نقطه آغاز آن، اشاره به نکات برجسته و ارزشمند هر چیز، و سپس تعیین آن چیزی باشد که شایسته تغییر است و نتیجه آن «*صعودی سالم*» است نه «سقوطی نرم»(Cooperrider and Srivastva,1987; Hedayati, 2017b). نقادی نه‌تنها می‌بایست توأم با توجه به ارزشمندی‌های هرچیز صورت گیرد، بلکه خود دارای «ابعاد عاطفی» مانند قدرت تحلیل، کنجکاوی، خردمندی، روشنفکری، نظام‌مندی، حقیقت‌جویی، و بلوغ شناختی، است(Facione; Facione and Sanchez, 1994). بُعد عاطفیِ نقد نه‌تنها برای حفظ رابطه دوستان و هم‌کلاسان، بلکه برای پایداری مباحثه‌های نقاد به‌جای جدل‌های شخصی، لازم و ضروری است.

با مشخص شدن ابعاد عاطفی تفکر نقاد، می‌توان گفت مهارت تفکر نقاد و مراقبتی چنان به‌هم مرتبط و آمیخته‌اند که نمی‌توان آن‌ها را به راحتی از هم تفکیک کرد. افرادی که اندیشه خود را مزین به مراقبت کرده‌اند، نسبت به دوستان خود احساس مسئولیت کرده و دغدغه اصلاح اندیشه خود و روشنگری دوستانشان

1. Caring for

را دارند، و متفکران نقاد به هدف اصیل نقد که روشن‌تر شدن ابعاد متفاوت یک امر می‌باشد، آگاه هستند و برای تحقق این هدف، ویرایش ایده‌ها را به تخریب هویت ترجیح می‌دهند.

دوستی مراقبتی در حلقه‌های کندوکاو فلسفی

«مراقبت» دقیقاً نقطه مقابل بی‌تفاوتی و بی‌احساسی، و دارای کاربردهای متفاوتی است. این مفهوم از یک‌سو منبع دوستی، عشق، درک میان‌فردی، تعهد، حساسیت و شفقت انسانی (Sharp, 2014, P.19) و از سوی دیگر انگیزه‌ای برای کندوکاو و جستجوی حقیقت برپایه ملاک‌های معتبر است (Davey, 2004). رشد فکری در حلقه‌های کندوکاو فلسفی نیازمند مشارکت در گفتگویی نقاد و خلاق است. برخی فیلسوفان معتقدند دوستی و جستجوی حقیقت به‌خوبی در کنار هم قرار نمی‌گیرند، چون حقیقت زننده است و بیان آن جذاب نیست، و گفتن حقیقت باعث می‌شود دشمنان ما بیشتر از دوستان‌مان باشند (Bernifie, 2008, P. 11). اما این درصورتی است که نقد را عاری از مراقبت سازیم و میان دوستی و بیان حقیقت یا علاقه به جستجوی حقیقت خط قرمز بکشیم و تنها یکی را برگزینیم. به‌همین خاطر نقد اغلب برای دوستان کار راحتی نیست، مگر آنکه دوستان نقد را نوعی فعالیت دوستانه تلقی کنند که به روشن شدن فضای ذهنی آن‌ها کمک می‌کند، و این تنها درصورتی ممکن است که تفکر فلسفی و شیوهٔ نقادی توأم با مراقبت باشد.

حقیقت این است‌که نه‌تنها نیازی به حذف تفکر مراقبت برای پرورش تفکر انتقادی نیست، بلکه با استعانت از هر دو مولفه به‌خوبی می‌توان دوستی مراقبتی را در میان کاوشگران جوان گسترش داد. حتی سقراط که نقادی و بیان حقیقت را تلخ و دشوار می‌دانست، خود برای تمام افرادی که درجستجوی حقیقت بودند احترام قائل بود و با آنان با شکیبایی برخورد می‌کرد و هرگز به آنان با دیدهٔ حقارت نمی‌نگریست (Bernifie, 2008, P. 11). برخلاف افرادی که به قصد تخریب یکدیگر را نقد می‌کنند، دوستان نقاد، افراد قابل‌اعتمادی هستند که پرسش های تفکربرانگیز طرح می‌کنند، اطلاعاتی برای نگاه به موضوع از چشم‌انداز متفاوت تهیه می‌کنند، و ایده یا کار دوستشان را به عنوان یک دوست مورد نقد قرار می‌دهند (Costa and Kallick, 1993, P.50). در ادامه، به برخی تمایزهای دوستی‌های مراقبتی از دوستی‌های رایج اشاره می‌شود.

۱) **تمایل به رشد متقابل به‌جای تائید برای پذیرش:** در گفتگوی نقادانه‌ای که توأم با تفکر مراقبتی باشد، ارائه نظرات متفاوت و یا مخالفت با آرای یکدیگر نه‌تنها رفتاری غیردوستانه و مسبب رنجش نیست، بلکه نوعی همیاری فکورانه و هدیه دوستانه در مسیر درک بهتر حقیقت است، که با اشتیاق استقبال می‌شود. در این نوع دوستی، به همان اندازه که رشد فکری اهمیت دارد، عواطف و حرمت اشخاص

نیز موردنظر قرار می‌گیرد. به‌همین دلیل به‌زعم بوهم، دوستی‌ها بعد از مشارکت در دیالوگ‌های تأملی، قوی‌تر می‌شوند؛ چراکه ارتباطات اولیه آن‌ها تحت بررسی ارزش‌ها و مفروض‌ها قرار می‌گیرد (Davey, 2012, P. 65).

۲) **استقرار تمامی جنبه‌های تفکر مراقبتی به‌جای صرفاً تفکر عاطفی در دوستی‌های مراقبتی:** مفهوم مراقبت در دوستی مراقبتی صرفاً «پروای کسی یا چیزی را داشتن» نیست، بلکه علاوه برآن «با یکدیگر دغدغه چیزی را داشتن[1]» و «به فکر چیزی بودن[2]» نیز هست (Sprod, 2001; Davey, 2007). دوستان مراقبتی حین مشارکت در دیالوگ‌های فلسفی، ضمن علاقه به دوستان خود و درنظر گرفتن احساسات و عزت‌نفس آن‌ها در حلقه (بُعد عاطفی)، برای رشد متقابل، کشف ایده‌های بدیع، و گفتگوی نقاد محترمانه نیز ارزش قائل بوده و مشارکت فعال در گفتگوها را تحسین می‌کنند (بُعد مبتنی بر ارج‌گذاری و سپاس)، تمام تلاش خود را برای درک کامل‌تر دیدگاه متفاوت دوستان به کار می‌گیرند و تلاش می‌کنند فهم بهتری از دنیای شناختی و هیجانی دوستان خود به دست آورند (بُعد همدلانه)، و برای این امر مشتاقانه در بحث‌ها شرکت می‌کنند و تا جایی که گفتگو آن‌ها را هدایت می‌کند فعالانه پیش می‌روند (بُعد فعال)، و تمام این کارها را برای پر کردن شکاف بین آن چیزی که در حال حاضر هست و آن چیزی که می‌تواند باشد تا جهان را جای بهتری برای زیستن کند (تفکر هنجاری) انجام می‌دهند. براین‌اساس، دوستان مراقبتی تمامی مؤلفه‌های تفکر مراقبتی را در همه حوزه‌های حلقه کندوکاو فلسفی به کار می‌گیرند، تا هم از تخریب روابط میان‌فردی و هم رکود فرایند کندوکاو تأملی و انتقادی پیشگیری می‌کند.

برخی ویژگی‌های دوستان مراقبتی در حوزه‌های مختلف حلقه کندوکاو را می‌توان این‌گونه توصیف کرد:

- **مراقبت از فرایند تحقیق**

✓ ارزش نهادن به اصل تحقیق مشارکتی و احساس نیاز به حضور دوستان برای پیشرفت در مسیر حقیقت‌جویی

✓ علاقه به مباحثه‌های نقادانه با دوستان

✓ مشارکت فعال در مباحثه‌ها و ابراز نظر نسبت به ایده‌های دوستان

✓ تلاش برای درک دیدگاه دوستان

1. Caring with
2. Caring about

- ✓ توجه به مسیر پیشرفت معرفتی مباحثه‌ها به‌جای گفتگوی دوستانه
- ✓ ایجاد امنیت روانی برای ابراز ایده‌های دوستان و حذر از تحقیر یا پرخاشگری

- **مراقبت از ابزارهای تحقیق**
- ✓ ارزش نهادن به ابزارهای فلسفی مانند پرسشگری و دیالوگ
- ✓ علاقه به تفکر تأملی و مباحثه‌های انتقادی و انتخاب دوستانی با علاقه مشترک به حقیقت‌جویی
- ✓ بهره‌جویی فعالانه از ابزارهای فلسفی برای تصریح موضوع‌ها
- ✓ داوری ایده‌ها بر اساس ملاک‌های معتبر در حین مباحثه‌ها و پذیرش دوستان فارغ از ایده‌های مطروحه

- **توجه به مسائل شایسته تحقیق**
- ✓ تأمل روی ارزش‌های خود و دوستان
- ✓ بررسی چیستی و چرایی مواضع عاطفی خود و دوستان نسبت به موضوع‌های خاص
- ✓ انتخاب موضوع‌هایی برای بحث که به بهبود وضعیت فعلی کمک می‌کند و دغدغه مشترک اعضا می‌باشد به‌جای طرح موضوع‌های شخصی
- ✓ طرح پرسش‌های فلسفی و فاقد پاسخ‌های از پیش‌متعین به‌جای پرسش‌های علمی یا روانشناختی و غیره

- **توجه به شرکای پژوهش**
- ✓ شناخت مبانی ارزشی دوستان برای درک بهتر رفتار و مواضع فکری آنان
- ✓ تلاش برای درک عواطف و افکار دوستان و همدلی با آنان
- ✓ علاقه به رشد فکری دوستان درکنار خوداصلاحی
- ✓ احترام به تفاوت‌ها در ابراز عقاید و پذیرش دوستان به خاطر «دیگربودگی»

۳) **استقرار دوستی حقیقی به عنوان یک فضیلت:** استقرار پدیدهٔ دوستی بر مبنای تفکر مراقبتی به تعاریف ارسطو و افلاطون از دوستی حقیقی بسیار نزدیک است. ارسطو در اخلاق نیکوماخوسی دوستی را در سطح اندیشه سیاسی، حافظ دولت‌ها می‌داند(Marsal et al, 2009). منظور او از دوستی، صرفاً سرسپردگی به علایق مشترک نیست بلکه پیوند عمیق با نیکی و فضیلت است(Alavipour, 2010). از نظر ارسطو، دوستی یا فضیلت است یا بافضیلت توأم است، و تنها در پرتو چنین دوستی امکان زندگی شادمانه میسر خواهد بود. دوستانی که فضایل موردنیاز دوست خود را می‌دانند، اما حاضر نیستند برای رسیدن به این فضایل به او کمک کنند، دوست واقعی به‌حساب نمی‌آیند. به‌طورکلی،

ارسطو سه هدف را برای دوستی قائل می‌شود: خوبی، مطبوع بودن و سطح والای دوستی که جستجوی مشترک فضیلت است(Aristotle, 2011). افلاطون نیز در سه رسالهٔ «*لیسیس*[1]» (یا دوستی[2])، «*ضیافت*[3]» و «*فایدروس*[4]» علاوه بر مفهوم عشق، به مقوله دوستی توجه خاص نشان داده است. در رسالهٔ لیسیس، افلاطون اهمیت «دوستی» را برابر بااهمیت چیزهای بسیار موردعلاقه می‌داند که ویژگی مهم آن «کارایی[5]» است. برای او، چیز به‌دردبخور و کارا، چیزی است که فرد را به‌سوی کمال رهنمون کند، و او را هر چه بیشتر به آنچه باید باشد، نزدیک سازد. از منظر افلاطون نیز دوستی حقیقی، جستجوی مشترکی برای آگاهی است تا جایی که حقیقت به دست آید. این بدان معناست که در دوستی حقیقی صرفاً داشتن فهم مشترک و توافق آراء ارزش محسوب نمی‌شود، بلکه تفاوت آرائی که به بحث و تحقیق گذاشته شود و رشد طرفین را به دنبال داشته باشد از ارزشی والاتر برخوردار است(Nichols, 2006). براین اساس، می‌توان گفت بده‌بستان‌های فکری در حلقه‌های گفتگو محور فلسفی، یک نوع ارتباط مراقبتی دوجانبه برای تبادل فضیلت است که به شکل اهدای یک تحفهٔ دوستانه برای گسترش افق دید دوست، ارائه می‌شود. لذا، مشخص می‌شود که مفهوم دوستی در رویکرد تربیتی فلسفه برای کودکان، چیزی فراتر و مؤثرتر از آن چیزی است که در ادبیات رایج، به‌ویژه رویکردهای روان‌شناختی به دوستی‌های صمیمانه نسبت داده می‌شود. دوستی در این رویکرد از نوع فضیلت‌مندانه و دارای نگرشی مراقبتی و مضمونی رشدی و تربیتی است (Noddings, 1984).

۴) **عدم تقلیل‌گرایی رویکرد تربیتی فبک به رویه پرورش تفکر نقاد:** دیوی با تأکید بر اینکه پیشرفت معرفتی در حلقه کندوکاو بیش از آنکه نیازمند دوستی‌های سطحی باشد، مستلزم مراقبت از فرایند کندوکاو است، لذا برای خروج از تعارض‌ها و ابهام‌ها معتقد است در حلقه کندوکاو به‌جای مراقبت از دوستی‌ها، به پرورش فضیلت مراقبت از کاوشگری جمعی بپردازیم؛ این فضیلت را توصیف بهتری از ارتباطات و مشارکت اعضا در حلقه‌های کندوکاو فلسفی می‌داند (Davey, 2004b, PP.39-41). منظور از فضیلت مراقبت در حلقه کندوکاو، به‌زعم دیوی به معنای «با یکدیگر دغدغهٔ حقیقت‌یابی را داشتن» است (Davey, 2012, P.131) نه از یکدیگر مراقبت عاطفی نمودن. در این دیدگاه رسالت

1. Lysis
2. On Friendship
3. Symposium
4. Phaedrus
5. Usefulness

رویکرد فبک، صرفاً به حرکت در مسیر حقیقت‌یابی و کندوکاو فکری تقلیل داده‌شده، حال‌آنکه مبدع برنامه به‌صراحت هدف این رویکرد تربیتی را علاوه بر پرورش مهارت‌های فکری سطح بالا و بهبود توانایی تعقل و خلاقیت، رشد فردی و میان‌فردی و رشد اخلاقی نیز ذکر می‌کند (Lipman et al., 1980, P.53). به همین دلیل کودکانی که صرفاً داستان‌های فلسفی می‌خوانند یا مهارت‌های فلسفی را می‌آموزند، و از فرصت مشارکت در گفتگو با معلمان و هم‌کلاسان محروم هستند، بسیاری از موهبت-های حضور در حلقه کندوکاو مانند افزایش آگاهی و حساسیت نسبت به علایق، باورها و ارزش‌های خود و دیگری، قدرت داوری درباره افراد برمبنای ملاک معتبر، کشف امکان بی‌طرفی، جامعیت فکری و بسیاری از هدف‌های دیگر برنامه فبک را از دست خواهندداد (Ghaedi,2016, PP.73-74). لذا برخلاف نگاه کاملاً پژوهش‌محورانه دیوی در حلقه‌های کندوکاو فلسفی، هدف‌های این رویه تربیتی، بدون گفتگوی تأملی و جمعی روی ارزش‌ها و هنجارها در بافتاری مراقبتی قابل استحصال نیست.

۵) **احترام به تفاوت‌ها در دوستی مراقبتی:** دوستی مراقبتی در حلقه کندوکاو نیازمند اصل اشتراک عقاید در میان دوستان نیست، زیرا دوستان مراقبتی به دنبال تشابه سطحی منافع و دیدگاه‌ها نیستند، بلکه به قول ارسطو درپی «درونی‌سازی مجدانهٔ اصل برابری نفوس» و عشق به دوست به‌خاطر خود او هستند. در سایه باور به این اصل، دوستان می‌توانند حسن نیت خود را برای یک رابطه همدلانه و سازنده نشان دهند. چیدمان دایره مانند کلاس، ایجاد مجال برای بیان ایده‌های تمامی‌افراد، توزیع برابر وقت، عدم حاکمیت ایدهٔ معلم، عدم تحقیر یا تمسخر عقاید، و بسیاری از قواعد دیگر در حلقه کندوکاو فلسفی حاکی از اعتقاد به برابری اصل عقلانیت و ارزش تمامی افراد است، که بتدریج در اذهان کودکان نیز نهادینه می‌شود. این برابری، به معنای یگانگی یا یکسانی زاویه دید یا توان فکری دو دوست، حتی در صمیمی‌ترین حالات نیست، چراکه دوست، «دیگری» است، بااین‌حال قابل درک، احترام، و بالنده است، و اتفاقاً به خاطر نقطه نظرات متفاوت و دیدگاه خاص‌اش، برای ما جذاب و موردتوجه است. برخلاف نگرش سنتی و کلاسیک به دوستی که مبتنی بر خودشیفتگی و متمرکز بر «مشابهت» گمراه کننده میان دوستان است، دوستی حقیقی بدون شک برقراری رابطه با کسی است که «من» نیست و تفاوت او با من، شرط لازم و پرهیز ناپذیر دوستی است(Alavipour, 2010). درک بهتر این امر به مفهوم اجتماع در رویکرد تربیتی فبک و تفاوت آن با جامعه بازمی‌گردد، چراکه در اجتماع برخلاف جامعه درعین برخی وجوه اشتراک در هدف‌ها، تصمیم‌ها و قراردادهای ما بین اعضا،

تفاوت‌های بسیاری نیز در علایق و باورهای آن‌ها دیده می‌شود، که همین تفاوت‌ها پویایی اجتماع را دامن می‌زند (Ghaedi, 2016, P.74). لذا ممکن است آن‌ها در خصوصیاتی مانند میل به پژوهش، پرسشگری، دیالوگ و ژرف‌اندیشی مشترک باشند، اما دارای درک و تفسیر متفاوتی از حقیقت هستند که با پذیرش غیرمشروط و محترمانه یکدیگر می‌توانند ظرفیت ابراز این منظرهای مختلف را برای یکدیگر فراهم کنند. در حقیقت استحکام دوستی مراقبتی منوط به مبادلهٔ متاع فکری، همراه با روشنگری محترمانه و پذیرش مشفقانه تفاوت‌ها، و دغدغهٔ رشد فکری جمعی می‌باشد که نزد دوستان متفاوت‌شان (دیگری) به ودیعه است.

نقش تسهیلگران در تغییر رویکردهای سنتی تعلیم و تربیت جهت ترویج دوستی مراقبتی

لازمهٔ پیشرفت معرفتی مباحثات در حلقه‌های کندوکاو، دوستی مراقبتی است، و شرط شکل‌گیری دوستی مراقبتی رویه‌های تربیتی مبتنی بر دموکراسی و ژرف‌اندیشی می‌باشد. لذا لازم است تسهیلگران ژرفا و ضرورت تغییر مفهوم دوستی از نوع سطحی به نوع فضیلتمندانه یا مراقبتی را برای رشد فکری و بالندگی شخصیتی بخوبی برای کودکان شفاف و اجرا کنند. جهت آشنایی کودکان با این سطح از دوستی نیازی به آموزش مستقیم نیست،کافی است برای اعضا مشخص شود که در حین فرایند عمیق و جدی ارزیابی ایده‌ها و جستجوی حقیقت یا معنایابی، با اندیشه‌ای مراقبتی همواره می‌توانند دغدغه روشن نمودن ابعاد تاریک ذهن خود و دوستانشان را درخصوص حقیقت امور، *محترمانه و مشفقانه* حفظ کنند. نمی‌توان از کودکان انتظار داوری اجتماعی معتبر داشت بدون آنکه «خودِ فرافردی» آن‌ها را پرورش دهیم، و چنین خرد و ادراکی تنها از طریق گفتگوی فلسفی در فضایی امن میسر است(Ghaedi, 2016, P.74). بنابراین در حلقه کندوکاو نقش تسهیلگر در برقراری فضای دوستانه مراقبتی بسیار حیاتی است تا برخلاف رویکردهای تربیتی فردگرا که مروج رقابت هستند، کودکان دریابند توانایی‌های هر عضو سبب تقویت توان کلیه اعضا می‌شود، و فعالیت فکری و عاطفی هریک از دوستان به رشد فکری همگان کمک می‌کند. تسهیلگر هوشمند در طول مباحثه‌ها و همچنین فضاهای خارج از حلقه کندوکاو به دانش‌آموزان کمک می‌کند با حفظ و تعمیق روابط، اجرای بازی-های جمعی، فعالیت‌های درسی مشترک، عدم سوگیری غیرمنطقی نسبت به یکدیگر، و حمایت عاطفی بجا و مناسب متوجه شوند که عدم توافق‌ها به عنوان تسهیل‌کننده‌ای برای تقویت گفت‌وشنود نگریسته می‌شود، و انتقادها صرفاً متوجه ایده‌هاست و به تمامیت فردی آن‌ها مربوط نمی‌شود (Davey, 2012, P.130) و آن‌ها می‌توانند باوجود اختلاف‌نظر روی برخی حیطه‌های موضوعی، همچنان دوستان ارزشمندی برای یکدیگر باشند.

دوستی مراقبتی، دوستی مسئولانه و قابل‌اعتماد

بر اساس آنچه تاکنون ذکر شد، دوستی در حلقه کندوکاو، از نوعِ دوستی با تمام ویژگی‌ها و حوزه-های تحت پوشش تفکر مراقبتی است. دوستی حقیقی یا *دوستی مراقبتی* مستلزم حضور دو یا چند نفر است که ارزش‌ها و هدف‌های مشترکی دارند، و برای رسیدن به هدف‌های خویش از هیچ کمکی به یکدیگر فروگذار نمی‌کنند (Snyder and Smith, 1986). *دوستی‌های مراقبتی*، دوستی‌های مسئولانه و قابل‌اعتمادی هستند که در آن دوستان با نقد و بررسی نقطه نظرها، به ایده‌های قوی‌تر و قابل‌اعتمادتری می‌رسند. منظور از اعتماد در حلقه‌های کندوکاو فلسفی، تا اندازه‌ای با مفهوم اعتماد در دوستی‌های رایج متفاوت است. اعتماد در دوستی‌های معمول اصولاً بنا به دلایلی مانند رازداری، وفاداری، دل‌نگران سلامت و آسایش هم بودن و چیزهایی از این قبیل است، اما اعتماد در میان دوستان مراقبتی، علاوه بر این موارد، اصولاً اعتماد به دوستان برای کمک‌های فکری و همکاری در روشن نمودن ابعاد مغفولِ موضوع‌های زندگی، از طریق بیان محترمانه منظرهای متفاوت و ارزیابی ایده‌های موجود است. البته تاکید بر دوستی مراقبتی به‌معنای کم‌ارزش جلوه‌دادن دوستی‌های حمایت‌گرانه و صمیمانه در سنین اجتماعی شدن کودکان و نوجوانان نیست، بلکه اگر در حلقه‌های کندوکاو فلسفی بتوان نوعی از دوستی را بین افراد پدید آورد که بر مبنای تفکر مراقبتی بنیان نهاده شود، به تعریف عمیق‌تری از دوستی میان همسالان، و در نهایت میان افراد جامعه دست خواهیم یافت که بر مبنای احترام به تفاوت‌ها و درک یکدیگر، دغدغه کمک به رشد فکری همدیگر و همچنین علاوه بر منطق، مبتنی بر عواطف و ارزش‌ها است.

نتیجه

ماهیت اجتماعی و ماهیت پژوهشی معرفت درحلقهٔ کندوکاو، پیشرفت معرفتی کودکان حاضر در برنامه فبک را وام‌دار مشارکت تمامی افراد در گفت‌وگویی انتقادی و خلاق می‌سازدکه همواره معطوف به ایده مطرح‌شده است، نه تمامیت افراد. لذا برای آنکه کودکان در مهارت نقد و خلق ماهر شوند، و جسارت بیان ایده‌های بدیع و متفاوت خود را پیدا کنند، باید ویژگی‌هایی مانند اعتماد و احترام متقابل، تعهد به فرایند کندوکاو، تفکر روشن و باز، دغدغه نسبت‌به رشد یکدیگر، ارزش‌نهادن به تفکر مشارکتی در عین استقلال فکری، و احساس امنیت در قبال آزاداندیشی بر فضای این حلقه حاکم باشد، و مفهوم دوستی به مثابه امر مراقبتی بازتعریف شود. قرار نیست کودکانی که در حلقه‌های کندوکاو فلسفی شرکت می‌کنند، الزاماً رابطه خود را به علاقه و تعهد مشترک به گفت‌وشنود نقاد و مخالفت با آراء و نظرات یکدیگر محدودکنند (آن-گونه که موردنظر ناقدان تفکر مراقبتی برای گفتگوهای فلسفی است)؛ بلکه آن‌ها به‌مرور یاد می‌گیرند

دوستان خود را به‌ویژه آنهایی که به هر دلیل بیشتر مورد محبت و علاقه می‌دانند، از آراء و نظرات اندیشمندانه خود محروم نسازند و نه‌تنها با بهره‌جویی از تکنیک‌های زبانی، بلکه از طریق فهم نقادی به‌معنای نگاه‌کردن به یک پدیده از زوایای متفاوت، از میزان تلخی نقادی‌ها و تبدیل آن به خرده‌گیری و تحقیر بکاهند.

در ترویج و شکل‌دهی مفهوم دوستی مراقبتی میان کودکان و نوجوانان، تسهیلگر نقش اساسی را ایفا می‌کند. تسهیلگران باید ضمن ترویج مهارت‌های تفکر فلسفی، به هر چهار حوزه از تفکر مراقبتی که پیش‌تر ذکرشد توجه نشان دهند، و حلقه را صرفاً به فضایی برای پرورش تفکر منطقی، یا آموزش استدلال، یا گفتگوهای دوستانه، یا هر هدف تک‌بُعدی دیگر تقلیل ندهند. تسهیلگران حلقه‌های کندوکاو باید ترتیبی دهند تا کودکان بدون ترس از اظهارنظر، خجالت یا حقارت، پرسش‌های خود را مطرح نموده و نظرات خویش را به‌دوستان ابراز کنند(Parvinian et al., 2016, P. 43) و به شیوه‌ای مراقبتی، سبکی از ارتباط مسئولانه، مشفقانه و محترمانه را که منجر به سلامت عاطفی در کنار رشد فکری می‌شود با دوستان خود پایه‌گذاری کنند.

برای پرورش دوستی مراقبتی و تعمیق دوستی حقیقی میان کودکان و نوجوانان نیازی نیست که به آن‌ها درس یا دستورالعمل یا جزوه خاصی ارائه دهیم، بلکه تسهیلگر هوشمند مترصد فرصت‌های مناسب برای عطف توجه اعضا به هر پنج عنصر تفکر مراقبتی در چهار حوزهٔ حلقه کندوکاو است، و برای تحقق این امر از برانگیزانندهٔ بحث مانند داستان‌ها کمک می‌گیرد تا کودکان را به تأمل روی عناصر تفکر مراقبتی، از قبیل درک دنیای فکری و احساسی دیگری، شناخت چیستی و چرایی نظام ارزشی و عاطفی خود و دیگری، شناخت موضع‌گیری‌های فکری و رفتاری سایرین، هنجارها و اخلاقیات، و به‌ویژه برنامه‌ها و نمودهای رفتاری دوستان وادارد. اما از همه اینها مهم‌تر الگویی از دوستی مراقبتی و مسئولانه است که تسهیلگر به دانش‌آموزان ارائه می‌دهد. او نشان می‌دهد دغدغه رشد فکری تمامی اعضای گروه را دارد و برای شنیدن نظرات تک تک آن‌ها مشتاق است و صرفاً به دانش‌آموز خاصی بها نمی‌دهد، و خود را در قبال غنا و پیشرفت مباحثه‌ها، و کشف ابعاد ناشناخته موضوعات مسئول می‌داند. او با هر روش مناسبی به کودکان و نوجوانان نشان می‌دهد دوستی در حلقه کندوکاو، مستلزم ارج نهادن به تفاوت‌های میان‌فردی و احترام به «دیگری» است، و جلوی هرنوع تحقیر و توهین به بهانه نقادی را مسدود می‌کند. تسهیلگر مجرب به اعضا نشان می‌دهد هرگونه نادیده‌انگاری یا سوگیری، یا خرده‌گیری روند بحث‌های منطقی را مخدوش می‌سازد، و به همان میزان نیز حساسیت به نقد و عدم پذیرش انتقادهای مستدل، یا ترس از ابراز نظرهای بدیع و متفاوت، مانع رشد فکری تمامی اعضا می‌شود. او به دانش‌آموزان نشان می‌دهد که آن‌ها همانند اعضای یک خانواده

به یکدیگر پیوند خورده‌اند، و نه صرفاً در اجتماع کلاسی بلکه در سطح جامعهٔ کلان، رشد هر فرد منوط‌به رشد سایرین است. لذا اعضا می‌بایست خود را در قبال رشد فکری یکدیگر مسئول بدانند.آن‌ها ممکن است روی یک موضوع باهم اختلاف‌نظر داشته‌باشند، اما به واسطه اشتراکات بسیار دیگر می‌توانند تعاملات دوستانه خود را حفظ کنند. با این نگاه روابط دوستانه پس از بیان آرای مخالف و یا متفاوت دوستان با یکدیگر، نه‌تنها از هم نمی گسلد، بلکه به واسطهٔ لذت حاصل از فهم و شناخت وجهی از موضوع‌های زندگی که توسط شخص مغفول بوده، و خوداصلاحی پس از آن، مستحکم‌تر نیز می‌شود و البته شرط اساسی چنین ارتباطی، تعامل دوسویه، مباحثه‌های استدلالی قوی، و مدیریت هیجان طی مباحثات می‌باشد. بدان معنا که در حلقه‌های کندوکاو کلیه افراد می‌بایست آمادهٔ پذیرش نقدهای مراقبتی باشند و افراد متعصب، پرخاشگر یا زودرنج نمی‌توانند از مواهب این اجتماع کاوشگر بهره ببرند. با این توصیف مشخص می‌شود بسط و تغییر باور دانش‌آموزان نسبت به پدیدهٔ دوستی ضرورتی انکارناپذیر، و از رسالت‌های حیاتی تسهیلگر برای سلامت روان و بالندگی فکری آن‌ها در حلقه‌های کندوکاو است.

References

Adams, R. E; Santo, J. B. & Bukowski, W. M. (2011). The presence of a best friend buffers the effects of negative experiences. Developmental Psychology, 47(6), 1786- 1791.

Alavipour, S.M. (2010). The Relation between Self and Political Power in St. Augustines Thought. Research in Theoretical Politics, 5(10), 47-76. (In Persian)

Allan, G. (1996). Kinship and Friendship in Modern Britain. Oxford: Oxford University Press.

Aristotle (2011). Nicomachean ethics (2nd Ed.). (M.H. Lotfi e Tabrizi, Trans). Tehran: Kharazmi Pub. (In Persian)

Badhar, N. (1993). Friendship: A Philosophical Reader. New York: Cornell University Press.

Bellah, R. N. (2004). Education for justice and the common good. Conversations on Jesuit Higher Education, 25(2), 28–37.

Brendt, T.J. (1999). Friends' influence on students'adjustment to school. Educational Psychologist. 34, 15–28.

Brahm, B. A., & Bowling, C. J. (2009). Family and Consumer Sciences fact sheet: Building caring communities to support families. Columbus, OH: Ohio State University Extension.

Brendt, T.J. (2002). Friendship Quality and Social Development. Current Directions in Psychological Science, 11(1), 7-10.

Campell, K., Holderness, N. & Riggs, M. (2015). Friendship chemistry: An examination of underlying factors. The Social Science Journal, 52, 239-247.

Cooperrider, D. L. & Srivastva, S. (1987). Appreciative Inquiry in Organizational Life. Research in Organizational Change and Development, 1, 129-169.

Costa, A. &Kallick, B. (1993). Through the lens of a critical friend. Educational leadership, 51(2), 49–51.

Cowen, J. (2014). Noteworthy matters for attention in reflective journal writing. Active Learning in Higher Education, 15(1).
Damon, W. (1983). Social & Personality Development. New York: Norton & Company.
Daniel, M. & Auric, E. (2011). Philosophy, critical thinking and philosophy for children. Educational Philosophy and Theory, 43(5), 415-435.
Davey, S. (2004a). Creative, critical, and caring engagement— philosophy through inquiry.Retrieved from: http://www.inter-disciplinary.net/ati/education/cp/ce2/Davey%20paper.pdf
Davey, S. (2004b).Consensus, Caring and Community: An Inquiry into Dialogue. Analytic Teaching, 25(1), 18-51.
Davey, S. (2012). The Socratic Classroom: Reflective Thinking through Collaborative Thinking. Rotterdom: Sense Publishers.
DeSousa, D. A. & Cerqueira-Santos, E. (2012). Intimate Friendship Relationships among Young Adults. Psicologia: Teoria e Pesquisa, 22(53), 325-333.
Facione, N. C., Facione, P. A., & Sanchez, C. A. (1994). Critical thinking disposition as a measure of competent clinical judgment: The development of the California critical thinking disposition inventory. Journal of Nursing Education, 33, 345-350.
Fisher (2013) Teaching Thinking: Philosophical Enquiry in the Classroom. London: Bloomsbury.
Fearnley-Sander, M. (1998). Care and the Force of the Argument in Respecting Difference. Thinking: The Journal of Philosophy for Children, 14(1), 24–28.
Ghaedi, Y. (2016). The basical Theory of Philosophy for Children. Tehran: Meraat Pub. (In Persian)
Gutiérrez-Santiuste, E., Rodríguez-Sabiote, C.; Gallego-Arrufat, M.J. (2015). Cognitive presence through social and teaching presence in communities of inquiry: A correlational–predictive study. Australasian Journal of Educational Technology, 31(3), 349-362.
Hartley–Brewer, E. (2009). Making Sense of Your Child’s Friendships. Piccadilly Press.
Hedayati, M. (2017a). Trust to Children. Tehran: IHCS. (In Persian).
Hedayati, M. (2017b). A Healthy Climbing: The Critical Care Approach. Journal of Critical Litrature and Humanities, 17(7), 235-252. (In Persian).
Hejazi, E. &Zohrevand, Z. (2001). The survey of friendship Crateria and Qualities in Child and Adolescence Girls. Journal of Psychology and Education, 6(1), 1-20. (In Persian)
Helm, B. (2005). Friendship. In Zalta, E. N. (Ed.). The Stanford Encyclopedia of Philosophy. http://plato.stanford.edu/.
Johnston, D. K. (2006). Education for a caring society: classroom relationships and moral action. Teachers College, Columbia University.
Kennedy, D. (2012). Lipman, Dewey, and the Community of Philosophical Inquiry. Education & Culture, 28(2), 36-53.
Kizel, A. (2017). Philosophical communities of inquiry: the search for and finding of meaning as the basis for developing a sense of responsibility. Childhood & Philosophy, 13(26), 87-103.
Leszczensky, L.; Pink, S. & Kalter, F. (2015). Friendship and Identity in School. University Mannheim.
Lipman, M. (2003) Thinking in Education (Second Edition), Cambridge: Cambridge University Press.

Lipman, M.; Sharp, A. M. and Oscanyan, F. S. (1980) Philosophy in the Classroom. Philadelphia: Temple University Press.
Lipman, M., Sharp, A. M. (2015). Ethical Inquiry: Instructional manual to accompany Lisa. 2nd Ed. (R. Karimi, Trans). Tehran: IHCS. (In Persian).
Marsal, E.; Dobashi, T.; Weber, B. (Eds.). (2009). Children Philosophize Worldwide: Theoretical and Practical Concepts. Peter Lang: Internationaler Verlag.
Maraashi, M., Ghaedi, Y. (2015). Community of Inqiry: Basics and Functions. Tehran: IHCS. (In Persian).
Naji, S. (2016). Philosophical Inquiry for Children. Vol.2. Tehran: IHCS. (In Persian).
Noddings, N. (1984). Caring: A Feminine Approach to Ethics and Moral Education. Berkeley: University of California Press.
Nichols, M. P. (2006). Friendship and Community in Plato's "Lysis". The Review of Politics, 68(1), 1-19.
Obiunu, J.J. (2015). Relationship between Parents and Peer Influencences on Qualities of Adolescent Friendship. Journal of Education and Practice, 6(8), 128-133.
Pappano, L. (2004). Offering aid to parents. Boston Globe.
Parvinian, M., Rahimzade, L., Tajbakhsh, F. & Talegani, L. (2016). A discussion plan for the management of the “Philosophy and Child” classes. Tehran: Sadra Pub. (In Persian).
Radji, M. (2016). An Inquiry into the Theoretical-Educational Fundations and Origins of Philosophy for Children. Tehran: IHCS. (In Persian).
Roumer, L. (1994). The Changing Face of Friendship. Notre Dame, Indiana: University of Notre DamePress.
Schertz, M. (2006). Empathic Pedagogy: Community of Inquiry and the Development of Empathy. Analytic Teaching, 26 (1), 8-14.
Selman, R. L. (2007). Promotion of social awareness: powerful lessons from the partnership of developmental theory and classroom practice. New York: Russell Sage.
Sharp, A. (2007). Education of the Emotions in the Classroom Community of Inquiry. Gifted Education International, 22(2), 248-257
Sharp, A. M. (2014). The other dimension of caring thinking. Journal of Philosophy in School, 1(1).
Snyder, M., & Smith, D. (1986). Personality and Friendship. In Derlega & Winstead (Eds.), Friendship and Social Interaction (pp. 63–80). New York: Springer-Verlag.
Sprod, T. (2001). Philosophical Discussion in Moral Education: The community of ethical inquiry. London and New York: Routdlege.
Treffinger, D. J. (2014). The Role of Creativity and Problem Solving inBuilding and Sustaining Caring Communities. Waco, TX: Prufrock Press.
Turgeon, W. C. (2012). The Place of ‘Philosophy’ in Preparing Teachers to Teach Pre-College Philosophy: Notes for a conversation. Analytic Teaching and Philosophical Praxis, 32(2), 68-74.
Yorshansky, M. (2007). Democratic Education and the Consept of Power, Critical and Creative Thinking. The Australian Journal of Philosophy in Education, 15(1), 15-35.